

بررسی تاریخی عمارت امجد الاشراف سنندج (حسینیه امجد)

عباس رهبری^۱، محمد شعیب عزیزی^۲

^۱ گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵ تهران، ایران

^۲ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس سنندج، کردستان، ایران

چکیده

عمارت امجد الاشراف یا حسینیه امجد یکی از عمارت‌های تاریخی شهر سنندج است که هم در بعد فرهنگی و هم معماری از آثار ماندگار دوره قاجار است. در مورد ساختار معماری این عمارت مطلبی نگارش نشده است و در مورد احداث و تأثیر فرهنگی حسینیه امجد کمتر سخن به میان آمده است. آنچه که باید به آن توجه نمود فرهنگ مردم کردستان است که در ساخت و شکل‌گیری فضای این عمارت تأثیر بسزایی داشته است که در جای خود مهم است. پژوهش انجام شده به صورت توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای که در دسترس پژوهشگر قرار گرفته و بازدید میدانی از حسینیه امجد و مصاحبه به سبک معماری حسینیه امجد و به بررسی معماری و ویژگی این اثر پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که سبک معماری این عمارت همانند عمارت خسرو آباد و مسجد جامع سنندج مربوط به دوران قاجار و در دوره امان‌الله خان احداث شده است، این بنا جهت سکونت خانواده امجد و برقراری مراسمات مذهبی در شهر سنندج مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

کلید واژه‌ها: کردستان، سنندج، عمارت امجد الاشراف، معماری، خانواده امجد

مقدمه

آثار معماری هر منطقه نشان‌دهنده سیر تحولات تمدنی آن منطقه است که با بررسی آن می‌توان این مسیر تمدنی به‌خوبی مورد واکاوی قرار داد و همچنین ساختار معماری در هر شهر نیز نشان‌دهنده فرهنگ مردم است به‌علاوه زنده نگه‌داشتن این آثار در مکتوبات فعلی غباری را که طی قرون متوالی ممکن است بر روی آثار مانده و یا ایجاد خواهد کرد را تا حدودی دور می‌کند و فرهنگ منطق را نیز برای نسل‌های آینده تبیین نماید.

فرهنگ به عنوان یک عامل تأثیرگذار در جامعه بشری که در آداب و رسوم، تمدن و تاریخ، موسیقی، معماری و ... در افزایش خود باوری جامعه نمود دارد، «می‌تواند در افزایش خودباوری و اعتماد به نفس افراد جامعه ای با فرهنگ و تمدن درخشان اثر مستقیم داشته باشد و همچنین می‌تواند عاملی تأثیرگذار برای مقابله با تهاجم فرهنگی در یک جامعه باشد» (زندى، قصلانى، و رحیمی، ۱۳۹۵: ۳) همچنین رفتارهای انسان در بستر محیطی که زندگی می‌کند شکل می‌گیرد و بدون در نظر گرفتن تأثیر محیط، نمی‌توانیم شرایط رفتاری را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۵).

با بررسی معماری بناهای استان کردستان می‌توان نقش فرهنگ را در شکل‌گیری بناهای ساخته شده به‌خوبی مشاهده نمود. زیرا شکل بنا در نتیجه عوامل اجتماعی و فرهنگی هر جامعه ایجاد می‌گردد (نجفی، شریعتی، و زندی، ۱۳۹۶: ۴) «شهر سنندج با توجه به قدمت آن و داشتن بناهای تاریخی سالم جهت بررسی ویژگیهای معماری ایران در قرون گذشته دارای جایگاه ویژه ای است که شناخت این ویژگیها می‌تواند ما را در رسیدن به ایده آل های مطلوب معماری کمک کند، که نشان می‌دهد که معماری ما از دیر باز دارای هویتی تاریخی فرهنگی بوده است» (زندى و شریعتی، ۱۳۹۶: ۳). در بین عمارات تاریخی شهر سنندج، می‌توان عمارت امجدالاشراف را از بناهای به یاد ماندنی شهر سنندج محسوب نمود که دارای هویت مذهبی نیز می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش انجام شده به صورت توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای که در دسترس پژوهشگر قرار گرفته و بازدید میدانی از حسینیه امجد و مصاحبه به بررسی معماری و ویژگی این اثر پرداخته است. «بر این پایه، در حوزه توصیفی، پژوهش شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری‌دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد» (سرمد، بازرگان، و حجازی، ۱۳۷۶: ۸۲) و از دو روش، نظریه حوزه معماری در فرهنگ که به بررسی و تحلیل چون و چراهای فرهنگی حاکم بر شکل‌گیری عمارت می‌پردازد و روش اسپیس سینتکس بهره گرفته شده است.

اسپیس سینتکس^۱ یک روند تحلیلی علمی با تاکید بر ویژگی‌های رفتاری انسان است که رابطه بین طرح‌های فضایی و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را بررسی می‌کند. این روش شامل بررسی الگوهای حرکتی مردم و تعاملات بین آنها، تراکم، کاربری و ارزش زمین، رشد شهری و تمایزات اجتماعی، امنیت و جرم خیزی است. تحقیقات در زمینه تکنیک اسپیس سینتکس نشان می‌دهد که الگوهای حرکتی مردم به صورت کاملی در ارتباط با شکل فضایی شهر است و طراحی فضایی شهر بر روی الگوهای امنیت شهر تأثیرگذار است این ارتباطات باعث تکامل مراکز شهری می‌شود که شهرها را سرزنده‌تر می‌سازد. جداافتادگی فضایی و مسائل اجتماعی در شهر با هم در ارتباط هستند. ساختمان‌ها می‌توانند فرهنگ‌های تعاملی‌تری را ایجاد کنند. تکنیک اسپیس سینتکس به معماران و شهرسازان کمک می‌کند تا عواقب و تأثیر طرح را بر روی افرادی که در شهر زندگی و در آن حرکت می‌کنند بسنجند. این تکنیک در زمینه‌های مختلف مانند جرم‌شناسی، باستان‌شناسی، تکنولوژی

¹ space syntax

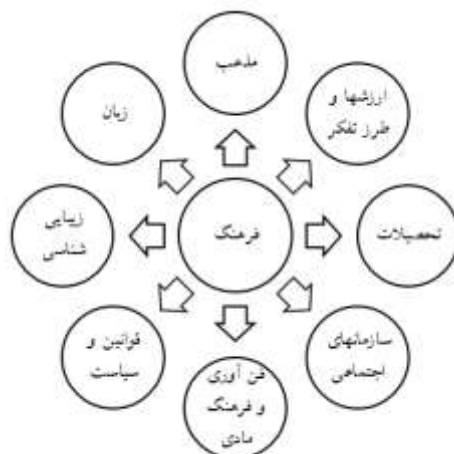
اطلاعات، جغرافیای شهری و انسانی، پدیدارشناسی و علوم‌شناختی به کار می‌رود (مسعودی نژاد، ۱۳۸۶: ۴؛ معماریان، ۱۳۹۲: ۳۹۹) و ما در این پژوهش از این تکنیک برای مشخص شدن جایگاه حسینیه امجد در شهر سنندج استفاده کرده ایم.

پیشینه پژوهش

در مورد بناهای تاریخی شهر سنندج مطالعات زیادی صورت نگرفته و بیشتر مطالب، در سایت‌ها نگارش یافته که پشتوانه پژوهشی ندارد، اما چند مورد کار پژوهشی صورت گرفته که به موضوع این پژوهش نزدیک هستند عبارت‌اند از: مقاله «بایسته‌های فرهنگی در لابه‌لای خانه‌های کردستان»، نوشته سرکوت نجفی، سیران شریعتی و نادر زندی در سال ۱۳۹۶ به «بررسی معیارهای فرهنگی در خانه‌های استان کردستان» پرداخته‌اند، مقاله «بررسی ساختار باغ‌های کردستان با تأکید بر باغ‌های شهر سنندج» نوشته سرکوت نجفی، کاوه زاهدی و نادر زندی در سال ۱۳۹۶ که به بررسی باغ‌های داخل شهر سنندج پرداخته شده است و مقاله «عمارت خسروآباد نگین معماری کردستان، بررسی چون و چراهای فرهنگی در ساختار معماری عمارت خسرو آباد سنندج» نوشته نادر زندی و سیران شریعتی که به بررسی ساختار معماری عمارت خسرو آباد سنندج، از لحاظ فرهنگی پرداخته‌اند، مقاله «ساختار معماری گرمابه‌های حکومتی در عمارت‌های قدیمی شهر سنندج»، نوشته نادر زندی، سیروان بهرامی، شعیب فیضی و سرکوت نجفی در سال ۱۳۹۶، مقاله «بررسی نقش فرهنگ در خانه‌های قدیمی سنندج (خانه‌های محله آغه زمان و چهار باغ)» نوشته نادر زندی، نینا قصلانی و سروه رحمتی که در سال ۱۳۹۵ به نقش فرهنگ و شکل‌گیری خانه‌های قدیمی شهر سنندج پرداخته شده و مقاله باز زنده سازی بافت تاریخی قطارچیان سنندج نگارش حسن نورالله زاده و سمیه خالدیان در سال ۱۳۹۳ که به بررسی ساختار بافت محله‌های سنندج پرداخته شده است. مقاله «ویژگی‌های معماری و آرایه‌های عمارت خسرو آباد سنندج» نوشته محمدابراهیم زارعی در سال ۱۳۹۰.

فرهنگ

«فرهنگ از جمله واژه‌هایی است که تاکنون تعریفی، اجماعی برای آن به دست نیامده است، هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد» (Culture, 2017). «فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است» (لوکاس، ۱۳۸۲: ج ۱ / ف ۱ / ۴). «واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت (فره هنگ) آمده است که از دو جزء (فره) به معنای پیش و فرا؛ و (هنگ) به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه (فرهنگ) به معنای پیش کشیدن و فرا کشیدن است. به همین سبب است که فارسی‌زبانان فرهنگ را سبب پیشرفت می‌دانند» (پناهی، ۱۳۷۵: ۹۱-۱۲۳). «فرهنگ فارسی معین واژه فرهنگ را مرکب از دو واژه (فر و هنگ) به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب‌ورسوم تعریف کرده است» (معین، ۱۳۷۱، ذیل واژه فرهنگ). «در برهان قاطع لغت فرهنگ بدین معنی آورده شده: برون و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی باشد» (برهان، ۱۳۸۰). «بنابراین فرهنگ یک جامعه، مجموعه‌ای از همین باورها، آداب، رسوم، قوانین، ارزشها و تابوها و... است» (شارون، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۵). «تعریف واژه فرهنگ در ایران با تنوع خود، حکایت‌گر تکیه و تأکید بر برخی ابعاد این پدیده است؛ گاه بر اجزای سازنده فرهنگ، زمانی بر جنبه‌های تاریخی، گاه بر وجه آرمانی و... تأکید می‌شود، از این رو می‌توان گفت این تعریف‌ها با یکدیگر معارض نیستند» (کاشفی، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).



معماری

معماری «یک فعالیت هنری، علمی است برای ایجاد فضا، تغییر و سامان دادن بنا که نشان‌دهنده فرهنگ جامعه در گذر زمان و آینه‌ای روشن از شرایط جامعه در ادوار مختلف است» (علیشاهی، ۱۳۹۶: ۱-۲). «معماری چگونه ساختن است و ارتباطی با مصالح به کار رفته در بنا ندارد، اما به این ربط دارد که خانه یا شهر را چگونه بسازیم تا نیازهای انسانی و غیر مادی ما را برطرف سازد و در گذر زمان، انواعی از آن به وجود آمده است»:

یک) «معماری مردمی: معماری طبیعی و محلی مردم یک سامان است و بر اساس نیاز به ساختن به وجود آمده است».

دو) «معماری بومی: شکل پیشرفته‌ای از نوع مردمی آن است و در ارتباط با آب‌وهوا، فرهنگ و مصالح ساختمانی آن منطقه خاص، شکل می‌گیرد. این نوع معماری، پیش از آنکه در خور تحسین باشد، شایسته دوست‌داشتن است. مانند یک عضو خانواده که هر چند زیبا نباشد، باز هم والدین و نزدیکانش او را دوست می‌دارند».

سه) «معماری روحانی یا مذهبی: تصویرگر ارتباط انسان با ماورای طبیعت است و تلاش دارد بنا را رنگی معنوی دهد».

چهار) «معماری یادمانی: هدف از این نوع معماری، گرامیداشت و یادآوری درگذشتگان است. ساده‌ترین شکلش، یک تلّ خاک است که برای نمایاندن قدرت پادشاه به شکل یک هرم بر قبر او می‌ساختند و به تدریج، اشکالی دیگر به خود گرفت».

پنج) «معماری مفید فایده: این نوع معماری بیشتر زاینده تمدن جدید است و در خدمت سودرسانی و کارایی است و ساختمان را به شکلی می‌سازد که از آن، منفعت و استفاده‌های مادی بیشتر ببرد و نه چیز دیگر؛ از همین رو عرصه را بر دیگر انواع معماری تنگ ساخته است» (علیشاهی، ۱۳۹۶: ۱۰-۱۹)

رابطه فرهنگ و معماری

«معماری با بناها کار دارد و بناها بخشی از فرهنگ‌اند. بنا، کتاب گردوغبار گرفته‌ای است که باید به سراغش رفت و آن را مطالعه کرد. در این صورت است که ما را از فرهنگ سازندگان آگاه می‌کند و از هویت جامعه‌ای که در آن بنا شده، خبر می‌دهد. برای پی‌بردن ارتباط معماری و فرهنگ، به بررسی معماری می‌پردازیم؛ چون بازتاب‌دهنده فرهنگ است. به بیانی دیگر، از زبان معماری، سخن فرهنگی می‌شنویم».

«معماری در واقع به نیازهای فرهنگی مردم توجه می‌کند. در معماری ایرانی و در شکل‌گیری فضاهای مختلف و بخصوص فضاهای مسکونی، مسائل اعتقادی و خاص ایرانیان تأثیرگذار بوده است. یکی از این ویژگی‌ها، احترام به زندگی خصوصی و حرمت قائل شدن برای آن است. دیگری عزت‌نفس ایرانیان است که این نیز به نحوی در خانه‌های ایرانی قابل‌مشاهده است. در این نوع خانه، فضای درونی به وسیله دیوار از فضای بیرونی جدا می‌شود و تنها بخشی از ساختمان که بیرون آمده و با خارج در ارتباط است، قسمت ورودی است که "هشتی" نام دارد. هشتی به معنای "بیرون جسته" و "بیرون آمده" است. هشتی‌ها معمولاً دارای سردری است که در دو سوی آن، دو سکوئی سنگی قرار دارد. این سکوها برای آن ساخته می‌شدند که مهمان در فاصله‌ای که در می‌زند و صاحب‌خانه آن را باز می‌کند، بر سکوها بنشینند و ایستاده منتظر نماند» (رتوفی، عسکری، و بسطامی، ۱۳۹۷)

دق‌الباب آن زمان نیز دو وسیله فلزی بود که هر کدام به روی لنگه‌ای از در ورودی نصب می‌شد؛ یکی حلقه‌ای شکل و دیگری همانند چکشی کوچک. مراجعه‌کننده اگر زن بود، وسیله حلقه‌ای را به در می‌کوبید و اگر مرد بود، وسیله چکشی را. از این طریق، اهل خانه متوجه می‌شدند که چه کسی پشت در است و برای گشودن آن، چه کسی باید برود.

پس از در ورودی، معمولاً دالانی وجود داشت که در عین جزو خانه بودن، از محیط اصلی آن جدا بود. یکی از کارکردهای دالان، این بود که فرد داخل‌شونده در مسیر دالان، خود را مهیای ورود به محیط اصلی می‌ساخت. اهل خانه نیز در همین فاصله، خود را مهیای پذیرایی و مواجهه با او می‌نمودند. محیط اصلی خانه ایرانی از دو بخش «اندرونی» و «بیرونی» تشکیل می‌شد که اندرونی برای اعضای خانواده بود و بیرونی را برای مهمانان در نظر می‌گرفتند. این شیوه معماری، «درون‌گرایی» نام دارد (علیشاهی، ۱۳۹۶: ۳۶-۴۰).

در معماری اسلامی، مساجد و دیگر مکانهای مقدس که نشانه ارتباط انسان با خدا شمرده می‌شوند، از اهمیت فراوانی برخوردارند و لذا برتری بارزی بر دیگر ساختمانهای شهر دارند. در غالب این موارد، وسیله‌ای که برای برجسته کردن بنا به کار گرفته شده، یکسان است و به میزان زیادی اطراف آن مسطح شده و هیچ بنای دیگری جز بنای مورد نظر، توجه افراد را به خود جلب نمی‌کند (هیلن، ۱۳۹۳: ۱۰).

کردستان



«سنندج به کردی: سنه، کورسان» (شرفکندی، ۱۳۸۵: ۶۳۰)، «دومین شهر بزرگ کرد نشین، مرکز استان کردستان در غرب ایران است. نام سنندج دگرگون شده سنه دژ است و سنه دژ نیز دگرگون شده نام سینه دژ است و به این علت این نام را انتخاب کردند زیرا در وسط و مرکز یا سینه دژ (کوه)های آبیدر و رشته کوه زاگرس است. شهر سنندج به شهر هزارتپه معروف است و همچنین به سنندج شهر مساجد نیز می‌گویند. زبان مردم، کردی سورانی با لهجه اردلانی است که پس از گذشت زمان تغییراتی در سخن گفتن و لهجه ساکنان آن منطقه ایجاد شده است. سنندج در ارتفاع ۱۰۴۵۰ تا ۱۰۵۳۸ متری از سطح دریا و در منطقه کوهستانی زاگرس واقع شده و آب و هوای سرد و نیمه‌خشک دارد. این شهر از سمت غرب به کوه آبیدر، از سمت



نقشه سنندج

شمال به کوه شیخ معروف، از سمت جنوب به کوه سراج الدین، محدود شده است و در منطقه‌ای به وسعت ۳۶۸۸/۶ هکتار گسترده شده است.» (درباره شهر سنندج، ۱۳۹۷)

«سنندج به لحاظ موقعیت جغرافیایی و فعالیت‌های شهرسازی عصر صفوی و قاجار، از بافت شهری سنتی با ارزشی برخوردار است که بناهای مسکونی و عام‌المنفعه متعددی مانند حمام، مساجد و بازار در آن باقی مانده است؛ و دارای محدوده بافت تاریخی فرهنگی با وسعتی معادل ۱۱۲ هکتار است. سنندج "سنه یا سنه دژ" که از شهرهای کهن و مقدس است به آیین مهر و زردشت در این بخش ایران بازمی‌گردد. ارتباط این شهر و نواحی مجاور آن با اساطیر پهلوانی آریایی از اهمیت و قدمت این شهر حکایت می‌کند. شهر جدید سنندج در دوره صفوی و در روزگار شاه صفی در سال ۱۰۴۶ هجری قمری توسط سلیمان خان اردلان پایه‌گذاری شد. نام سنه به احتمال زیاد از ریشه اوستایی گرفته شده است. تا قبل از دوره قاجار از این شهر به عنوان سنه یاد می‌شده است؛ اما بعد از این دوره به سنندج تغییر نام پیدا کرد.» (حدیدی، ۱۳۸۷؛ فرهودی و محمدی، ۱۳۸۵)

از پیدایش و بنای شهر سنندج زمان زیادی نمی‌گذرد. در سال ۱۰۴۶ هجری قمری سلیمان خان اردلان به انگیزه نظامی و ایجاد مرکزیت سیاسی برای حکومت، هسته اولیه سنندج را بر روی تپه‌ای در کنار روستای «سینه» بنا نهاد. این شهر تا سال ۱۳۴۰ دارای حالتی از شهرنشینی ایستا و طبیعی بوده است؛ ولی از این دوره به بعد شهر از حالت ایستایی شهرنشینی خارج شده و وارد مرحله شهرنشینی سریع می‌شود. (قرخلو، عبدی ینگه کند، و زنگنه شهرکی، ۱۳۸۸: ۷)

«منطقه سنندج مدت چهار قرن تحت حکومت حکام موروثی خاندان اردلان بود که نسبت خود را به ساسانیان می‌رسانیدند. خانواده اردلان، به جز یک وقفه کوتاه، در سراسر دوره صفوی قدرت را در دست داشتند. در دوره زندیان سنندج نیز به تسخیر حکومت زندیه درآمد. پس از یک دوره هرج و مرج و جنگ که به تخریب سنندج انجامید، خسرو خان اردلان (مقلب به کبیر) در

سال‌های ۱۱۶۸ تا ۱۲۱۴ هجری قمری در سنندج مستقر شد. آقا محمد خان قاجار، به پاداش، حکومت سنقر (کلیایی) را به او داد. از سال ۱۲۱۴ تا ۱۲۴۰ هجری قمری امان‌الله خان اردلان (کبیر) پسر خسروخان در سنندج حکومت کرد که در این مدت اصلاحات زیادی برای آبادانی و عمران شهر سنندج به عمل آمد. امان‌الله خان کبیر، پسری به نام خسرو خان ناکام^۲ داشت. او به‌خاطر توانایی‌اش در سواد و ادبیات، مشهور و زبانزد بود. پس از او در زمان پسرش «رضا قلی»، جنگ و منازعات میان خانواده اردلان گسترش پیدا کرد. برادر او امان‌الله معروف به غلام شاه خان در سال ۱۲۶۵ تا ۱۲۸۴ حکومت کرد که آخرین وارث حکومت اردلان‌ها در کردستان بود. شهر سنندج مقر طوایفی از کردهای اردلان، وزیر، صادق وزیر، وکیل، تیمون، لله خانی، (قطبی)، میربابان، بابان، سروش، گله‌داری (گله خانی)، طلائی، بوده است. (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۲: ج ۱/ ۷۶-۱۱۶) همچنین خانواده سادات اهل تشیع نیز مقیم سنندج هستند که شامل خانواده‌های:

۱. معتمد هاشمی

۲. مشیری

۳. صدر

۴. خاندان امجد است که در این تحقیق به بررسی تاریخی عمارت امجدالاشراف پرداخته شده است.

روش تحقیق

همان‌گونه که در چکیده آمده است این تحقیق به روش کتابخانه‌ای - میدانی و مصاحبه انجام شده است. ابتدا اطلاعات موردنیاز را از سایت‌ها و کتابخانه‌ها جمع‌آوری شده است و سپس برای صحت موضوعات و گردآوری اطلاعات پایه‌ای بیشتر به مصاحبه با خانواده امجد و مردم پرداختم.

تاریخچه شیعه در کردستان

«شیعیان با جمعیتی حدود ۲۴۹۴۱۵ نفری ۱۸ درصد از جمعیت ۱۴۹۳۶۴۵ استان را به خود اختصاص داده اند. شیعیان بیشتر در شهرهای بیجار، قروه و کامیاران سکونت دارند. آداب و رسوم و سبک زندگی شیعیان استان کردستان که به دو دسته آذری و کُرد تقسیم می‌شوند، از یکدیگر متفاوت است؛ شیعیان آذری تأکیدی بر اجرای رسوم گذشته ندارند و آداب و رسوم آنها با سایر هم وطنان یکسان است. در مقابل بسیاری از مصادیق سبک زندگی به ویژه برای شیعیان کُرد که به حفظ فرهنگ خود اهتمام بیشتری دارند، با رعایت موازین اعتقادی و هنجارهای مذهبی به قومیت بازمی‌گردد. پررنگ‌ترین جلوه اعتقادی در زندگی شیعیان استان کردستان که آنها را از اهل سنت متمایز می‌نماید مناسبت‌های مذهبی مانند عیدغدیر، نیمه شعبان، ایام محرم و صفر و ایام فاطمیه (س) است. عزاداری ماه محرم جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی شیعیان در استان کردستان را به خود اختصاص می‌دهد. از دیگر سو وجود تعداد بسیار زیاد امامزادگان و نوادگان امامان معصوم (ع) که از جور حکومت‌های اموی و عباسی و یا به نمایندگی از ائمه (ع) و برای تبلیغ دین به مناطق کُردنشین از جمله استان کردستان امروزی مهاجرت کرده اند نمادی روشن و بلند از حضور شیعیان و حیات اعتقادی آنها در این استان است. شیعیان و اهل سنت شافعی در استان کردستان همواره رابطه‌ای مسالمت‌آمیز با یکدیگر داشته و دارند» (امیر سرداری، ۱۳۹۳: ۱۲).

درباره حسینیّه

«حسینیّه در ایران به مکانی گفته می‌شود که در ماه‌های محرم و صفر در آن مراسم سوگواری و عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع) برگزار می‌گردد و نام آن نیز برگرفته از همین معناست. قدمت ساخت حسینیّه در ایران به دوره صفویه برمی‌گردد؛

^۲ ناکام، چون جوان مرگ شد. تولد ۱۲۰۵، وفات ۱۲۴۰

اما مواردی نیز وجود دارد (حسینیه سید صدرالدین قنبر یزد) که این قدمت را به دوره ایلخانی می‌رساند. از دوره صفویه به بعد به جهت توجه ویژه‌ای که معطوف عزاداری ماه محرم بود، حسینیه‌های بسیاری در نقاط مختلف ایران ساخته شدند یا مراکز محلات و میدان‌های شهر و روستا به‌گونه‌ای طراحی و ساخته شدند که به‌عنوان تکیه و حسینیه در ایام عزاداری مورد استفاده قرار گیرند؛ از این گروه می‌توان تعداد زیادی را در مناطق مرکزی ایران (اصفهان، یزد، نائین...) شناسایی کرد».

«حسینیه‌های مناطق مرکزی، شمال، شمال غرب، غرب، جنوب ایران از نظر معماری تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها را می‌توان در مقایسه تکایا و حسینیه‌های حاشیه بحر خزر، قزوین، کرمانشاه، آذربایجان، یزد و... شاهد بود. در این میان نوع مربوط به مناطق مرکزی ایران عمومیت بیشتری دارد و از طراحی و ساخت نسبتاً همسانی برخوردار است».

در این نوع عناصر مشترکی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- صحن مرکزی روباز که مورد استفاده دسته‌های عزاداری قرار می‌گیرد.

۲- ایوان‌ها، شاه‌نشین‌ها و طاق‌نماهای یک‌طبقه یا دوطبقه دورتادور صحن که مورد استفاده شرکت‌کنندگان در عزاداری قرار می‌گیرد. تعدادی از این حسینیه‌ها و تکایا دارای شاه‌نشین‌های مجللی هستند که مورد استفاده بزرگان شهر یا روستا قرار می‌رفته است.

۳- نمازخانه و فضای اصلی سرپوشیده.

۴- فضاهای مورد نیاز دیگر (آشپزخانه، وضوخانه، آب‌انبار و...)

«مصالح مورد استفاده در حسینیه‌ها خشت و آجر و پوشش‌های آنها طاق و گنبد و در مواردی تیرپوش است. از تزیینات مورد استفاده در این دسته از بناها می‌توان به کاشی‌کاری، آجرکاری، گچ‌بری، منبت‌کاری و آئینه‌کاری اشاره کرد. از جمله تکایا و حسینیه‌هایی که تزیینات غنی دارند، می‌توان تکیه معاون‌الملک کرمانشاه، حسینیه امینی‌های قزوین و حسینیه مشیر شیراز را نام برد». (ملازاده و محمدی، ۱۳۷۹: ج ۵، حسینیه)

عمارت امجدالاشراف

عمارت امجدالاشراف یا حسینیه (منزل) امجد مربوط به دوره قاجار است و در سنندج، نزدیک (محله قدیمی سرتپوله)، خیابان صلاح‌الدین ایوبی واقع شده و این اثر در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۷۹ با شماره ثبت ۲۸۴۱ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت



رسیده است. («حسینییه (منزل) امجد»، ۲۰۱۹)

این عمارت توسط میر ابوطالب تاجر اصفهانی در دوره امان‌الله خان اردلان حاکم کردستان ساخته شده است و در خیابان صلاح‌الدین ایوبی شهر سنندج بنا گردیده است. میر ابوطالب به دعوت امان‌الله خان از اصفهان به کردستان آمده است. این بنا دارای حیاط سنگ‌فرش‌شده حوض، حمام، تالار و حسینیه است. حسینیه که از جالب‌ترین قسمت‌های بنا است، کاشی‌کاری‌های بی‌نظیر و ظریف، نقاشی‌ها و گچ‌بری‌های زیبایی بر روی دیوارها دارد. تمام تزیینات بنا به دست استادکاران اصفهانی طراحی و اجرا شده‌اند. مصالح به‌کاررفته در بنا شامل گچ، آجر و آهک و ملاط ساروج و کاه‌گل است که قسمتی از گچ و آهک مصرفی را از اصفهان آورده‌اند. سیستم آبرسانی عمارت از طریق قنات و تنبوشه‌های سفالی است. خانواده امجد به دلیل ارادت خاصی که به اهل پیت پیامبر (ص) به‌ویژه امام حسین (ع) داشته‌اند، در ایام سوگواری محرم درهای خانه خود را بر روی عزاداران و عاشقان حسینی اهل سنندج می‌گشودند تا به عزاداری و سوگواری بپردازند. (امجد، ۱۳۹۷)

عمارت فعلی، تنها بخشی از تقریباً ۶۰۰۰ متر زمینی بوده، که در آن منطقه متعلق به خاندان امجد است؛ همچنین زمین، دبستان هدایت مربوط به ایشان بوده که به آموزش و پرورش هدیه کردند. با این وجود در طول زمان وراثت به دلایل مختلف، قسمت‌های مربوط به خود را فروخته‌اند و عمارت فعلی ۱۴۰۰ متر زیر بنا دارد که شامل حیاط، نشیمن‌ها، هال، تالار و... است. (امجد، ۱۳۹۷)

خاندان امجد



میر ابو طالب دوم ملقب به امجدالاشراف

صدیق منقی، عکاسی تیشک - سنندج

تقریباً ۲۵۰ سال پیش میر ابوطالب تاجر اصفهانی همراه با دو عمو زاده خود به نام‌های امین تجار و حاج میر محمود، که اصالتاً اصفهانی و اهل تشیع بودند به کردستان آمدند. این سه عمو زاده بعد از آمدن به کردستان علاوه بر تجارت در سنندج منازل و عمارت‌هایی را بنا نهادند که هم از نظر تاریخی و هم معماری جزو آثار مهم و ماندگار هستند که عبارت‌اند از: عمارت امجدالاشراف که توسط میرابو طالب بنا شده، عمارت آصف و عمارت معتمد هاشمی (دالان دریژ) توسط امین تجار و حاج میر محمود بنا شدند.

صدرالاشراف به دلیل عشق و محبتی که به پدرشان میر ابوطالب داشتند فرزند خود را نیز میر ابوطالب نام نهاد که ایشان نیز همانند جدشان در زمان خود به دلیل سخاوت و بزرگواری لقب زیبای امجدالاشراف را از دربار احمدشاه قاجار دریافت نمود.

میر ابوطالب بزرگ و نوادگان ایشان، هرچند اصالتاً کردستانی نبودند؛ اما بعد از ورود به کردستان، باتوجه‌به بزرگواری، سخاوت و احترام، موردتوجه مردم و طوایف و خاندان‌های معروف از جمله اردلانی‌ها بودند و حتی ارتباطات خانوادگی و مناسبات اجتماعی با یکدیگر داشتند.



خانواده امجد در مراسم‌های مذهبی و اعیاد منازل خود را به روی مردم می‌گشودند و میزبان همه اقشار و طیف مردم بودند. حتی به دلیل نبود لوله‌کشی آب در آن ایام این خانواده با سخاوت و مؤمن، قنات خود را برای مصارف روزانه در اختیار سایرین قرار می‌دادند. از چنین سخاوتی بود که حتی از طرف شاهان قاجار طی احکامی، القاب شایسته‌ای همچون؛ صدراالاشراف و امجدالاشراف را به آن بزرگواران اعطا و تجلیل به عمل آوردند. (امجد، ۱۳۹۷)

هرچند خانواده امجد و سایر سادات، اهل تشیع بودند؛ اما با بزرگواری و تقوایی که نشان از تعهد و باور راستین به اخلاق و حسن شهرت بودند؛ چنان یگانگی و اتحادی با مردم و سایر بزرگان کردستان داشتند که در اعیاد و مراسم‌های مهم علما و بزرگان اهل سنت و خانواده سادات اهل تشیع از جمله خانواده امجد باهم دیدار می‌کردند و رسم مهمان‌نوازی به جا می‌آوردند. این روابط به حدی صمیمی و متقابل بود که پیوندی ریشه‌دار در فرهنگ مردم کرد به وجود آورد.

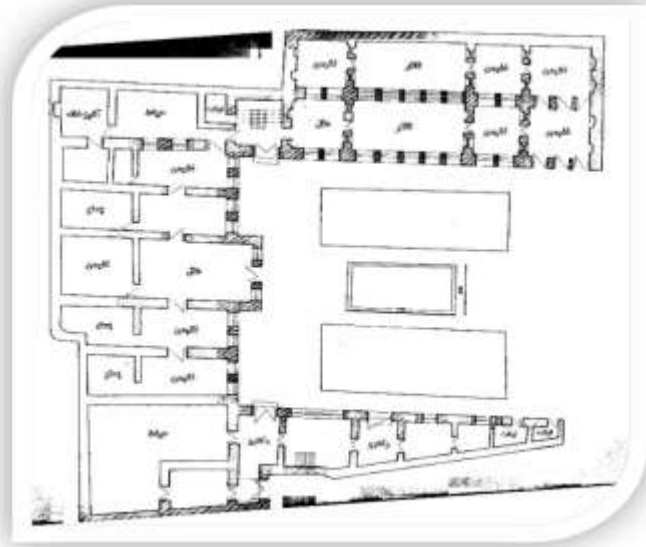
اعطای لقب امجدالاشراف به میر ابوطالب دوم در زمان احمد شاه قاجار

هرچند در دهه‌های اخیر نوادگان این خاندان در امور آموزش و پرورش عناوین مهمی داشتند؛ اما اجدادشان با وجود داشتن ارتباطات قومی با خاندان اردلان، سمت و وظیفه‌ای دولتی نداشتن؛ اما چون انسان‌های مردمی و امانت‌داری بودند، بانفوذ کلام و احترامی که در بین مردم داشتند، مشکلات مردم را حل می‌نمودند و به همین خاطر مورد احترام همه بودند.

عمارت امجدالاشراف

معماری

این عمارت دارای حیاط سنگ‌فرش شده حوض، حمام، تالار و حسینیه است. حسینیه که از جالب‌ترین قسمت‌های بناست، کاشی‌کاری‌های بی‌نظیر و ظریف، نقاشی‌ها و گچ‌بری‌های زیبایی بر روی دیوارها دارد. تمام تزیینات بنا به دست استادکاران اصفهانی طراحی و اجرا شدند. مصالح به‌کاررفته در بنا شامل گچ، آجر و آهک و ملاط ساروج و کاه گله که قسمتی از گچ و آهک



کروکی عمارت - ماخذ - آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان

مصرفی رو از اصفهان آوردن. سیستم آبرسانی عمارت از طریق قنات و تنبوشه‌های سفالی است و دفع فاضلاب نیز توسط لوله‌هایی به یکی از رودخانه‌های اطراف هدایت می‌شود و از طریق آن دفع می‌گردد. تمام تزیینات بنا به دست استادکاران اصفهانی طراحی و اجرا شده‌اند. (امجد، ۱۳۹۷)

این عمارت شامل قسمت‌های مسکونی بوده که در مجاورت تالار تشریفات قرار داشته و تالار تشریفات در ایام محرم محل عزاداری برای امام حسین (ع) بوده است. در سال‌های بعد از ساخت بنا در قسمت‌های مختلف آن به ویژه قسمت جنوبی، تغییرات و دگرگونی‌هایی ایجاد شده است. تالار در دو طبقه احداث شده که طبقه بالا در زمان مراسمات محل اعتکاف خانم‌ها



حیاط عمارت - صدیق منقی - عکاسی تیشک

بوده است.

«فضاها و اتاق‌های سهدری و پنج‌دري در دوطبقه، گچ‌بری‌های پرکار با نقوش اسلیمی و در جوار آن نقاشی‌های متأثر از نقاشی غربی، قاب‌بندی‌های سقف حسینیه با نقاشی‌های زیبای منحصربه‌فرد و پنجره‌ها با شیشه‌های رنگی و سایر عناصر تزئینی بکار رفته در بخش‌های مختلف از جمله خصوصیات شاخص و منحصربه‌فرد بنا است و به همین جهت یکی از بااهمیت‌ترین بناهای استان از نظر معماری و به‌ویژه تزئینات وابسته به معماری است. در نمای بنا تزئینات آجرکاری خفته‌وراسته خوبی کار شده است این ساختمان دارای حیاط همراه با حوضی مستطیل‌شکل و سنگ‌فرش تخته پرش سنندجی است.» (فلاح زاده، ۱۳۹۷)

معمار اصلی این عمارت مشخص نیست؛ چون مربوط به زمان میر ابوطالب اول است. اما در دوره‌های بعد معمار سعودی و استاد اکبر پهلوانی تعمیرات جزئی را بر عهده داشته‌اند. گچ‌بری را هم استاد طاهر انجام دادند. (کریمیان، ۱۳۷۶: ۲۰) از ویژگی‌های دیگر تالار، طلاکاری کناره‌های نقش‌ها است، همچنین سقف تالار که قاب‌بندی و طراحی زیبایی بر روی آن انجام شده که



نمای دیگری از تالار - صدیق منقی - عکاسی تیشک - سنندج



قسمتی از تالار - ماخذ- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی صنایع و گردشگری استان کردستان

گویا طراحی بر روی چوب انجام شده است.



قسمتی کوچک از سقف تالار - از ناوه محمودی، سعید کردستان، ۱۳۸۴ - ص ۱۶۸-۴۹



نمای دیگری از تالار - صدیق منقی - عکاسی تیشک - سنندج

قبل از انقلاب این عمارت به منزل سادات مشهور بود و بعد از انقلاب به حسینیه امجد مشهور شد حسینیه تقریباً ۳۰ سالی هست که تعطیل شده اما هنوز دو نوه میر ابو طالب دوم یعنی آقای میر محمد سعید امجد و میر اسماعیل امجد در آن سکونت دارند. در طول این سالها غیر از ترمیم حیاط و سنگفرش جدید که از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان انجام شده؛ ترمیم و بازسازی در تالار و سایر قسمت‌های عمارت انجام نشده است. بخش عمده از این ساختمان متعلق به میراث فرهنگی است.



نمای روبروی مسکونی حسینیه امجد

نتیجه‌گیری

عمارت امجدالاشراف یکی از آثار به‌یادگارمانده از دوره قاجاریه است که سبک معماری آن همانند سایر بناهای تاریخی کردستان فاخر است. حسینیه امجد در زمان خود با برگزاری مراسم‌های مذهبی موجب گرایش مردم به خود از هر صنف و قشری با هر مسلک و آیینی بوده و مکانی پر از یگانگی و صمیمیت را فراهم آورد؛ تا در پرتو آن محبت مردم را نسبت به انسانیت بشناساند. خانواده سادات اهل تشیع و نوادگان آنان؛ بخصوص خانواده امجد، از زمان سکونت در کردستان تا حالا، نمونه‌ای از انسان‌های مؤمن و والایی هستند که به‌واقع انسان‌دوست و سخاوتمند بوده‌اند. در اینجا باید متذکر گردید جهت نگه‌داری آثار فاخر معماری اهتمام دولت را می‌طلبد و امید است مسئولین میراث‌فرهنگی به این امر توجه ویژه‌ای داشته تا از تخریب و آسیب این آثار جلوگیری شود.

منابع

۱. امجد، میرمحمدسعید. (۱۳۹۷، ۶ آذر). «خاندان امجدالاشراف». مصاحبه توسط شعیب عزیزی. سنندج - ایران: عزیزی.
۲. امیر سرداری، سلمان. (۱۳۹۳). «تشیع در استان کردستان» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده علوم انسانی، تهران.
۳. برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی برهان قاطع. تهران - ایران: نیما.
۴. پناهی، محمدحسین. (۱۳۷۵). «نظام فرهنگی، کارکردها و دگرگونی آن در ارتباط با بحث تهاجم فرهنگی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش، جلد سال اول، شماره ۲ و ۳.
۵. پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). «فرهنگ و مسکن». مسکن و محیط روستا، جلد ۱۳۴، شماره ۳۰، صص ۳-۱۸.
۶. حدیدی، عبدالعلی. (۱۳۸۷). «سنندج». در دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۷. «حسینیه (منزل) امجد». (۲۰۱۹). در دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران شهر. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
۸. «درباره شهر سنندج». (۱۳۹۷). [شهرداری سنندج].
۹. رئوفی، رقیه؛ عسکری، مریم؛ و بسطامی، نعمت‌الله. (۱۳۹۷). «نقش فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در معماری سنتی ایران». فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، جلد ۳، شماره ۷، صص ۱-۱۴.
۱۰. زندی، نادر؛ و شریعتی، سیران. (۱۳۹۶). «جستاری بر تفاوت‌های ساختاری در هویت معماری قدیم و جدید شهر سنندج». در همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم. سومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم، تیر، ص ۱۲. تهران: موسسه بنا شهر پایدار- موسسه فرهنگی هنری سلوی نصر.
۱۱. زندی، نادر؛ فصلانی، نینا؛ و رحیمی، سروه. (۱۳۹۵). «بررسی نقش فرهنگ در خانه‌های قدیمی سنندج (مورد پژوهی: خانه‌های محله ی آغه زمان و چهار باغ)». در کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (کنگره‌های استانی)، ص ۱۴. کردستان: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
۱۲. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران - ایران: آگه.
۱۳. شارون، جونل. (۱۳۹۴). کتاب ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی: جونل شارون. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۱۴. شرفکندی، عبدالرحمان. (۱۳۸۵). هه‌نبانه بورینه (فرهنگ کردی - فارسی). ویراسته‌ی محمد ماجد مردوخ روحانی. تهران - ایران: سروش.
۱۵. علیشاهی، مجید. (۱۳۹۶). اصول و مبانی معماری و شهرسازی. تهران.
۱۶. فرهودی، رحمت‌الله؛ و محمدی، اکبر. (۱۳۸۵). «روند توسعه تاریخی، کاربری اراضی و چالش‌های توسعه شهری در سنندج». تحقیقات جغرافیا، شماره ۵۳، صص ۴۳-۵۵.
۱۷. فلاح زاده، مریم. (۱۳۹۷). «عمارت امجدالاشراف سنندج».
۱۸. قرخلو، مهدی؛ عبدی ینگه‌کند، ناصح؛ و زنگنه شهرکی، سعید. (۱۳۸۸). «تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های

- غیررسمی (مورد: شهر سنندج). پژوهشهای جغرافیایی انسانی، شماره ۶۹، صص ۱-۱۶.
۱۹. کاشفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۲۰. کریمیان، حسن. (۱۳۷۶). «معماران، هنرمندان، استادکاران و کارورزان عهد قاجار و آثار ایشان در سنندج». اثر، جلد ۲۸، شماره ۱، صص ۱۹-۳۹.
۲۱. لوکاس، هنری استیون. (۱۳۸۲). تاریخ تمدن. ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ. ج ۱-۲. تهران - ایران: انتشارات سخن.
۲۲. مردوخ کردستانی، محمد. (۱۳۵۲). تاریخ مردوخ. ج ۱-دو جلدی. تهران: ارتش.
۲۳. مسعودی نژاد، رضا. (۱۳۸۶). «مقدمه ای بر اسپیس سینتکس». دانشکده شهید بهشتی، دانشکده معماری، دانشکده شهید بهشتی.
۲۴. معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۲). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات سروش دانش.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی (شش جلدی). ج ۱-۶. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۶. ملازاده، کاظم؛ و محمدی، مریم. (۱۳۷۹). «دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی: مساجد تاریخی». در دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی. ج ۵. تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۷. نجفی، سرکوت؛ شریعتی، سیران؛ و زندی، نادر. (۱۳۹۶). «بایسته‌های فرهنگی در لابلای خانه‌های کردستان». در سومین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم. همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم، تیر، ص ۱۰. تهران - ایران: موسسه بنا شهر پایدار- موسسه فرهنگی هنری سلوی نصر.
۲۸. هیلن، روبرت. (۱۳۹۳). معماری اسلامی. ترجمه‌ی باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.
29. Culture. (2017, November 2). In *Simple English Wikipedia, the free encyclopedia*.

Historical review of Amjad Al Ashraf mansion in Sanandaj (Hosseinieh Amjad)

Abbas Rahbari ¹, Mohammad Shoaib Azizi ²

¹ Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, PO Box 889-14665 Tehran, Iran

² Students of Farhangian University, Shahid Modares Campus, Sanandaj, Kurdistan, Iran

Abstract

Amjad Al-Ashraf Mansion or Hosseinieh Amjad is one of the historical mansions of Sanandaj city, which is one of the lasting works of the Qajar period both in terms of culture and architecture. Nothing has been written about the architectural structure of this building, and less has been said about the construction and cultural influence of Hosseinieh Amjad. What should be paid attention to is the culture of the people of Kurdistan, which has had a significant impact on the construction and formation of the atmosphere of this building, which is important in its place. The research was carried out in a descriptive, analytical and library form, which was made available to the researcher, and a field visit to Hosseinieh Amjad and an interview on the architectural style of Hosseinieh Amjad and investigated the architecture and characteristics of this work. The results of the research indicate that the architectural style of this mansion is similar to Khosrow Abad mansion and Sanandaj Grand Mosque related to the Qajar era and was built during the period of Amanullah Khan, this building was used for the residence of the Amjad family and for holding religious ceremonies in the city of Sanandaj.

Keywords: Kurdistan, Sanandaj, Amjad Al Ashraf mansion, architecture, Amjad family
